

مراتب دگردیسی کالبدی در مسجد مظفریه تبریز؛ تحلیلی بر مبنای شناخت ساختاری لایه‌های تاریخی*

محمدباقر کبیرصابر**، مهناز پیروی^۱

^۱ استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۲/۲)

چکیده

مسجد مظفریه (مسجد کبود) تبریز، یکی از شاهکارهای هنری عصر قراقویونلوها است. اما مسأله مطرح درباره معماری این بنا، عدم وجود اصالت در کلیت حجمی آن می‌باشد. زیرا در طی زمان، ساختار بنا دگردیسی یافته و تفاوت‌های فاحشی بین کالبد فعلی و کالبدی که معماران اولیه‌اش اراده کرده بودند، وجود دارد. تبیین علمی سیر تحولات کالبدی این بنا، مسأله پژوهشی بود که این مقاله مستخرج از آن می‌باشد. در نوشتار حاضر، مراتب دگردیسی کالبدی مسجد، برپایه اسناد تاریخی و نیز بررسی عینی شواهد موجود (لایه‌های تاریخی اثر) مورد بحث قرار گرفته است و در انجام آن، اطلاعات پایه به دو طریق «تحلیل اسنادی» و «مشاهده عینی» تحصیل شده است. از نتایج پژوهش این نکته می‌باشد که ساختار کنونی مسجد، حاصل هم‌نشینی لایه‌های کهن با لایه‌های جدید است و آنچه از بنا پدیدار می‌شود، علیرغم سیمایی منسجم، فاقد اصالت تامه بوده و مظهر اراده‌های متأخر نیز می‌باشد. مضاف آنکه با گذشت زمان و کهنه شدن تدریجی الحاقات معاصر - که عموماً به سیاق قدیم بازسازی شده‌اند - گاه «اصل» و «بدل» خلط شده و بازدیدکنندگان، تمامیت کالبدی مسجد را چنین می‌انگارند که از ابتدا بوده است. با این وجود در سال‌های اخیر، اهتمام در تفاوت نهادن بین بخش‌های اصیل و الحاقی - که از اصول علمی حفاظت معماری است - در برخی اقدامات حفاظتی این بنا به چشم می‌خورد.

واژه‌های کلیدی

نظام معماری، لایه‌های تاریخی، تحولات کالبدی، حفاظت معماری.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی تحت عنوان: «تحلیلی بر مراتب دگردیسی فرم در نظام معماری مسجد مظفریه* تبریز، با رویکرد شناخت ساختاری لایه‌های تاریخی» است که در دانشگاه تهران به شماره ۳۰۴۱/۱/۲ به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۶۹۶، E-mail: Kabirsaber@ut.ac.ir

مقدمه

با آنچه معماران اولیه اراده کرده بودند، تفاوت‌هایی وجود دارد و دگرذیسی در نظام معماری آن رخ نموده است. برای درک سخن، شاید توجه به این نکته کفایت کند که در ابتدای قرن جاری - یعنی حوالی سال ۱۳۰۰ ه. ش. که حدود پنج قرن از ساخت مسجد می‌گذشت - از کلیت حجمی اولیه آن، فقط قدری نزدیک به نصف باقی مانده بود. با شروع تحولات عصر رضاشاهی و بروز اندیشه‌های باستان‌گرایی و تأسیس نهادهایی همچون اداره باستان‌شناسی و عتیقه‌جات که حاصل نگرشی نو به مقوله میراث فرهنگی در ایران بود؛ مسجد کبود نیز مد نظر مدیران و برنامه‌ریزان رده‌های محلی و ملی قرار گرفت و در نتیجه، فصلی جدید در سرنوشت تاریخی آن آغاز شد. از آن زمان تاکنون - یعنی افزون بر هشتاد سال گذشته - غالب قسمت‌های مخروبه مسجد ترمیم و یا اعاده کالبدی شده است. متأسفانه این تحولات کالبدی، تاکنون از دیدگاه مباحث تئوریک معماری مورد بررسی قرار نگرفته و فقط بعضاً از دیدگاه مباحث مرمتی بدان‌ها توجه شده است. با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، هدف از انجام پژوهش حاضر، تلاش برای رفع بخشی از این خلأ معرفتی می‌باشد. به عبارتی دیگر، مسأله پژوهش، کنکاش برای تبیین مراتب دگرذیسی در نظام کالبدی مسجد کبود تبریز می‌باشد. پرسش‌های پژوهش، ناظر بر سه وضعیت تاریخی مسجد: «آنچه که بود»، «آنچه که گذشت» و «آنچه که هست» بوده و عبارتند از: الف) نظام کالبدی مسجد کبود در اراده معماران اولیه آن چگونه تدبیر شده بود؟ ب) پس از زمین‌لرزه و در طی سال‌های ویرانی، کلیت ساختاری مسجد کبود، چه وضعیتی داشت؟ ج) در وضع فعلی، هنجار کالبدی مسجد کبود منتج از چه اراده‌هایی می‌باشد؟

مسجد مظفریه (مسجد کبود) تبریز یکی از آثار معماری ایرانی قرن نهم هجری است. در پدیداری این اثر معماری، تجلی لطایف هنری و دقایق فنی چنان بود که آن را در اندک زمان، به یکی از مساجد مشهور جهان اسلام تبدیل نمود. لکن جای تأسف است که شکوه و عظمت این بنا دیری نپایید و زمین‌لرزه‌های تبریز - بخصوص زمین‌لرزه مهیب سنه ۱۱۹۳ ه. ق. - انتظام معماری آن را از هم گسست. علیرغم چنین سرنوشتی، مسجد مظفریه در روزگار ویرانی نیز جلوه‌های جذاب از صناعت معماری ایرانی بود و به واسطه ظرایف و لطایفی که در بقایای آن جلوه‌گر بود، ناظرین را مسحور شکوه خود می‌نمود؛ تا آنجا که شرح و وصف‌اش در تألیفات شماری از نویسندگان ایرانی و غیرایرانی سده‌های گذشته منعکس می‌باشد.^۱ طبق مستندات موجود، تک‌بنای کنونی مسجد کبود در ابتدا، عضوی از یک مجموعه معماری گسترده به نام مجموعه مظفریه بود^۲، که شامل دیگر اعضای همچون صحن، خانقاه، آرامگاه، کتابخانه، ضیافت‌خانه و غیره می‌شد (ذکاء، ۱۳۶۸، الف، ۱۸۳). در وجه تسمیه مجموعه باید گفت «[چون] کنیه سردر مسجد آن را از آن ابوالمظفر جهانشاه می‌شناساند و بدین انگیزه به این بناها، «مظفریه» نیز می‌گفته‌اند» (همان). مرحوم حسین نخجوانی نیز نوشته است که «دلیل واضح بر عمارت مظفریه بودن این بنا همانا کنیه طاق درگاه است که (العمارة المبارکة المظفریه) اکنون نیز پیداست» (نخجوانی، ۱۳۲۷، ۱۱).

در حال حاضر از آن مجموعه عظیم معماری، غیر از کالبد مرمت شده مسجد مظفریه که در اصطلاح محلی، مسجد کبود نامیده می‌شود، اثر چندانی به جا نمانده است.^۳ از این رو، آنچه اینک از این مسجد و نحوه تعاملات محیطی آن دیده می‌شود،

روش پژوهش

نموده‌اند. در این بخش از نوشتار، به اهم منابعی که به طور بارز به پیشینه بحث حاضر ارتباط دارند، اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که مرور ادبیات در این نوشتار، به تبع مراتب تاریخی ملحوظ در پرسش‌های پژوهش، ناظر به سه دوره می‌باشد.

الف) منابعی که اطلاعاتی درباره وضع اولیه بنا دارند: این دسته از منابع، هر چند که محدود می‌باشند، لکن اطلاعات بسیار سودمندی درباره شناخت سیمای اولیه اثر دارند. یکی از مهم‌ترین منابع در این زمینه، سفرنامه تاورنیه سیاح فرانسوی می‌باشد که در نیمه اول قرن یازدهم ه. ق. از مسجد کبود دیدن نموده و در سفرنامه خود، برخی از خصوصیات این بنا را شرح داده است (تاورنیه، ۱۳۳۶، ۶۹-۶۷). دو منبع قابل اشاره در اینجا، نوشته‌های کاتب چلبی و اولیاء چلبی از اتباع عثمانی است که با قدری فاصله زمانی نسبت به هم، از مسجد کبود

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و در انجام آن، اطلاعات پایه به دو طریق «تحلیل اسنادی» و «مشاهده عینی» تحصیل شده است. به لحاظ سرشت پژوهش، بررسی اسناد و مدارک تاریخی (شامل متون و نیز اسناد تصویری مانند کروکی‌ها، عکس‌ها و نقشه‌های تاریخی) حائز اهمیت بود؛ لذا در فرآیند پژوهش، به اتکاء تحلیل اسنادی از آنها بهره گرفته شده است. همچنین حصول برخی اطلاعات کالبدی، از طریق مطالعه وضع موجود اثر و به اتکاء مشاهدات عینی ممکن شده است.

مرور ادبیات پژوهش

درباره مسجد مظفریه تبریز، در منابع مختلف، اطلاعات متنوعی مندرج است که هر یک، از دیدگاهی درباره آن بحث

ایرانی» و عبدالرحمن وهاب زاده در مقاله «مسجد کبود، دیروز- امروز» حائز اهمیت هستند (نخجوانی، ۱۳۲۷، ۲۰-۱۱)، (دیباچ، ۱۳۳۴، ۲۱-۱۶)، (کارنگ، ۱۳۷۴، ۳۱۹-۲۸۱)، (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۶۹-۲۶۶) و (وهاب زاده، ۱۳۸۵، ۲۷۴-۲۱۳). در این منابع علاوه بر وصف تاریخی اثر، بعضاً به ذکر برخی از مداخلاتی که در دوره معاصر بر روی آن انجام پذیرفته، اشاره شده است.

چارچوب نظری بحث

بناها و محوطه‌های تاریخی، بخشی از ثروت‌های فرهنگی و معنوی جوامع بشری هستند و مصادیق عینی از نحوه اندیشه‌ورزی پیشینیان در امر صناعت محیط مصنوع به حساب می‌آیند. از سویی این آثار به مثابه اسناد قابل پژوهش تاریخی هستند که با مطالعه، بررسی و شناخت علمی آنها می‌توان به لمحاتی از هویت و سیرت واقعیشان و نیز برخی دیگر حقایق تاریخی و فرهنگی دیگر دست یافت (علیزاده، ۱۳۸۰). بر مدار این سخن، هر محققى بخواهد درباره وجه یا وجوهی از یک اثر معماری ایرانی اظهار نظر و یا در آن مداخله مرمتی نماید، لازم است که پیش‌تر نسبت بدان کسب معرفت نموده و آن را شناخته باشد. بدین سبب است که در دکتربین‌های نوین حفاظت معماری، شناخت تاریخی و پیشینه کالبدی یک اثر، پیش‌نیاز هر نوع اقدام عملی در آن است (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲). سرشت این توصیه، متوجه معرفت نسبت به لایه‌های تاریخی اثر و درک دلایل تحول کالبدی آن در ادوار تاریخی نیز می‌باشد. بر پایه آنچه گفته شد، پژوهش حاضر به اتکال اسناد تاریخی و مدارک فنی، بررسی تحولات کالبدی یکی از بارزترین یادمان‌های معماری ایرانی، یعنی مسجد کبود را مدنظر قرار داده است. تفاوت بنیادی این پژوهش با دیگر پژوهش‌هایی که تاکنون درباره مسجد کبود انجام پذیرفته، تمرکز به مسأله دگردیسی کالبدی این بنا از بدو ساخت تاکنون است. از منظر تأملات تئوریک معماری، برآیند تحولات کالبدی گسترده‌ای که این بنا پشت سر گذاشته، پدیده‌ای است که اینک فاقد خلوص سبکی بوده و رگه‌های روشنی از اراده‌های معماران دوره‌های مختلف در آن دیده می‌شود. در پژوهش حاضر که رویکردی از جنس مطالعات کرنولوژیک دارد، به دوره‌شناسی کالبدی (تحولات ساختمانی) این مسجد و نیز اندرکنش لایه‌های تاریخی در آن پرداخته شده است.

۱- تاریخ آفرینش اثر

مسجد مظفریه تبریز از آثار معماری عصر قراقویونلوها است؛ ساخت این مسجد براساس متن کتیبه ابوان ورودی آن، در زمان جهان شاه، (سومین پادشاه سلسله قراقویونلوها) و به سنه ۸۷۰ ه. ق. به انجام رسیده است. به نظر می‌رسد که تاریخ مذکور، مربوط به زمان اتمام کاشی‌کاری سردر بوده و آغاز فرآیند ساخت مسجد، قدری مقدم بر آن باشد^۴. همانطور که گفته شد، مسجد کبود که اینک تنها اثر بازمانده از اقدامات عمرانی قراقویونلوها در تختگاه سلطنتی شان، تبریز می‌باشد، دوران

دیدن نموده‌اند. توصیفات آنها از این بنا اندک و در حد اشاراتی مختصر به برخی خصوصیات معماری مسجد می‌باشد (کاتب چلبی، بی تا، ۲۸۱؛ نخجوانی، ۱۳۳۸، ۱۷-۱۶). مطراق چی نیز یکی دیگر از اتباع عثمانی و در واقع، کاتب قشون آنها بود؛ وی در حدود سال‌های (۹۴۲-۹۴۰ ه. ق. / ۱۵۳۶-۱۵۳۳ م)، یک گزاره ارزشمند از وضعیت مسجد کبود ترسیم نموده است که حاوی اطلاعات قابل تأملی می‌باشد (فخاری تهرانی، پارسی و بانی مسعود، ۱۳۸۴، ۱۴). شاردن سیاح فرانسوی، حوالی سال (۱۰۸۴ ه. ق. / ۱۶۷۳ م) در سفری به تبریز، منظر عمومی این شهر و بناهای شاخص آن را ترسیم و مستند نمود؛ در بخشی از نقشه شاردن، شاکله کلی مسجد کبود قابل ملاحظه می‌باشد که برای شناخت وضع اولیه مسجد کبود، سندی مهم می‌باشد (همان، ۸۱). همچنین در این حوزه می‌توان به مقاله «ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز» اشاره نمود که موضوع اصالت فرم و تبارشناسی شکل در معماری این بنا را مورد بحث قرار داده است (کبیرصابر، مظاهریان و پیروی، ۱۳۹۳).

ب) منابعی که اطلاعاتی درباره وضع ویران بنا دارند:

برای شناخت این مرحله از وضعیت تاریخی اثر، سفرنامه‌های سیاحانی همچون کست (۱۸۳۹/۱۲۵۵ ه. ق.)، دیولافوا (۱۸۸۱/۱۲۹۸ ه. ق.)، جکسن (۱۹۰۳/۱۳۲۱ ه. ق.) و گروته (۱۹۰۷/۱۳۲۵ ه. ق.)، حائز اهمیت می‌باشند که در برخی از آنها، مستندات تصویری نیز از وضعیت ویران بنا موجود می‌باشد (کست، ۱۳۹۰، ۱۵۸-۱۵۷)، (دیولافوا، دنونر و اکادمی، ۱۳۶۹، ۶۰-۵۷)، (جکسن، ۱۳۵۲، ۶۱) و (گروته، ۱۳۶۹، ۳۰۶-۳۰۳). از آثار مؤلفین ایرانی برای شناخت این مرحله از وضعیت تاریخی اثر، باید به کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز» اثر نادمیرزای قاجار اشاره نمود که شرح مفصلی از وضع ویران مسجد در سال (۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ ه. ق. / ۱۲۶۲ ه. ش) ارائه نموده است (نادمیرزا، ۱۳۷۳، ۱۱۸-۱۰۸). همچنین در این حوزه باید به مقاله «میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم ه. ق.»؛ مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود، بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی» اشاره نمود؛ این مقاله به بررسی تحلیلی نظرات سیاحان خارجی درباره علل ویرانی و کیفیت بقای مسجد پرداخته است (کبیرصابر و پیروی، ۱۳۹۴). همچنین در سه نقشه تاریخی شهر تبریز، یعنی نقشه حومه و استحکامات (۱۸۲۷ م / ۱۲۴۳ ه. ق.)، نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷ ه. ق.) و نقشه دارالسلطنه اسدالله خان مراغه‌ای (۱۹۱۹ م / ۱۳۳۷ ه. ق.)، اطلاعات مفیدی برای شناخت وضعیت کالبدی پیرامون مسجد در طی آن سال‌ها موجود می‌باشد (فخاری تهرانی، پارسی و بانی مسعود، ۱۳۸۴، ۲۳؛ همان، ۴۵؛ آرشیو سازمان اسناد ملی شمال غرب).

ج) منابعی که اطلاعاتی درباره وضع معاصر بنا دارند:

زمینه، آثار محققینی همچون حسین نخجوانی در مقاله «مسجد کبود یا عمارت مظفریه»، اسماعیل دیباچ در کتاب «راهنمای آثار تاریخی آذربایجان»، عبدالعلی کارنگ در کتاب «آثار باستانی آذربایجان»، محمدکریم پیرنیا در کتاب «سبک‌شناسی معماری

مساجد شهر بوسه در قرن نهم هجری - است. زیرا مسجد کبود به سان آنها، ساختمانی دو گنبد و فاقد حیاط مرکزی است. بدین سبب برخی محققین، از فرم وارداتی این مسجد سخن گفته‌اند^۵؛ اما برخی دیگر، خاستگاه فرمی آن را به منطقه خراسان نسبت داده و منبعث از فرهنگ معماری ایرانی دانسته‌اند^۶.

۳- تحولات ساختاری

۳-۱- ساخت اولیه مسجد

بررسی متون تاریخی، مبین آن است که مسجد کبود از سال‌های نخست ساخت، سرنوشت پرتلاطمی داشته است. دو سال پس از تاریخ ۸۷۰ ه. ق. (تاریخ مندرج در کتیبه ایوان ورودی مسجد)، یعنی در سال ۸۷۲ ه. ق. که ساخت بقیه عمارات مجموعه مظفریه هنوز به اتمام نرسیده بود؛ جهان‌شاه قراقویونلو در جنگ با اوزون حسن آق‌قویونلو به قتل رسید و با مرگ وی، پادشاهی قراقویونلوها نیز انقراض یافت. در سندی تاریخی، یعنی کتاب دیاربکریه، نحوه تصرف تبریز (تخت‌گاه سلطنتی جهان‌شاه) توسط اوزون حسن و شرح بازدید وی از مجموعه مظفریه (مسجد کبود و سایر عمارات وابسته) تفصیلاً مندرج است (طهرانی، ۱۳۵۶، ۵۲۳-۵۲۲).

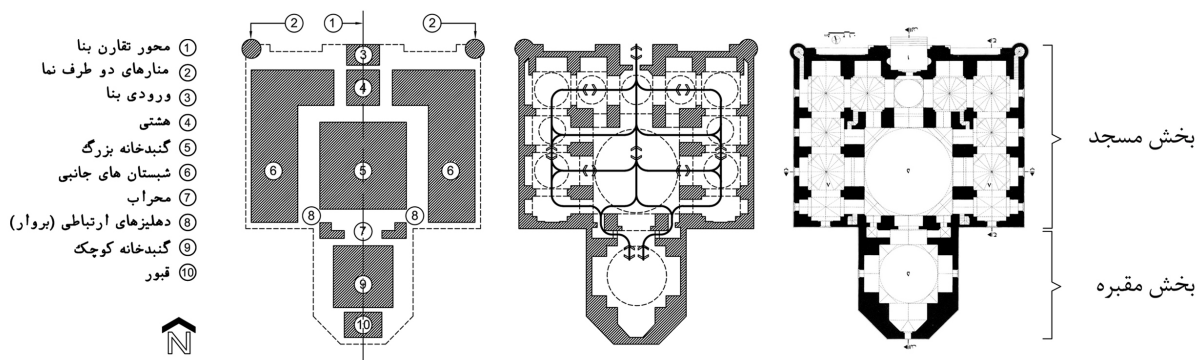
عبدالعلی کارنگ در بحثی راجع به میزان پیشرفت پروژه مظفریه در ایام انتقال قدرت از جهان‌شاه به اوزون حسن می‌نویسد: "ساختمان مسجد در ربیع‌الاول سال ۸۷۰ ه. ق. به همت و نظارت جان بیگم خاتون [۱]، زن جهان‌شاه پایان یافته بود، ولی کار بنای دیگر عمارات وابسته بدان، همچنان ادامه داشت [۲].... تا اینکه [۳] در سال ۸۷۲ ه. ق. که جهان‌شاه به دست اوزون حسن آق‌قویونلو به قتل رسید، کار تکمیل بنا [دیگر عمارات وابسته به مسجد] متوقف گردید، تا دوران فرمانروایی اوزون حسن به سر آمد" (کارنگ، ۱۳۷۴، ۲۸۵-۲۸۴). اما قدری متفاوت از این سخن، مرحوم مشکور با استنباط از «کتاب دیاربکریه» معتقد است که اوزون حسن در موقع ورود به تبریز و بازدید از مجموعه مظفریه، فرمانی درباره نگهداری و حفظ آن ابنیه عظیم صادر کرده بود (مشکور، ۱۳۵۲، ۶۵۱)؛ مع الوصف، این نظر لزوماً نمی‌تواند مؤید تدوام اقدامات عمرانی باشد. پس از اوزون حسن، فرزندش سلطان

استواری چندانی نداشته و زمین لرزه‌های مکرر تبریز و بخصوص زمین لرزه مهیب سنه ۱۱۹۳ ه. ق.، ویرانی آن را باعث شدند. پس از زمین لرزه مذکور، تبریز به ویرانه‌ای بدل شد و در شکل‌گیری مجدد شهر - که مساحت عرصه شهری به شدت کاهش یافته بود - ویرانه‌های مسجد کبود در بیرون از بارو واقع شد و به سبب بُعد مسافت از حیات شهری، موضوعیت‌اش نیز در حیات دینی و مناسک روزمره شهروندان کمرنگ شد. این وضعیت ناپسامان برای مسجد کبود تا اواخر دوره قاجاریه تداوم داشت؛ تا اینکه با شروع تحولات عصر رضاشاهی، تحولی نیز در سرنوشت تاریخی این بنا آغاز شد که شرح آن در این نوشتار خواهد آمد.

۲- شناخت فرمی اثر

مسجد کبود از نظر معماری، خصوصیتی دارد که موجب تشخیص آن در منظومه میراث معماری ایرانی شده است. به اعتقاد شیلا بلرو و جانانان بلوم، این بنا همواره "به لحاظ معماری و تزیینات در ایران منحصر به فرد بوده [است]" (بلرو و بلوم، ۱۳۸۲، ۷۹). مرحوم محمدکریم پیرنیا نیز در بحث سبک‌شناسی معماری ایرانی، این مسجد را «آواز قوی شیوه آذری» معرفی نموده و می‌گوید: «مسجد کبود» برخلاف بیشتر مسجدها میانسرا ندارد و به دلیل سردی هوای تبریز، به گونه برون‌گرا ساخته شده است (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۶۶). در تکمیل سخن پیرنیا باید گفت، در قرن نهم هجری که بنیان مسجد کبود پی افکنده می‌شد، بر اساس سنت معماری ایرانی، مساجد معمولاً درون‌گرا و برخوردار از حیاط مرکزی ساخته می‌شدند؛ اما مسجد کبود برخلاف مساجد هم‌دوره خود، فاقد میانسرا و به صورت فشرده - اصطلاحاً به صورت معماری توده - بنا شده است. نکته مهم در گونه‌شناسی معماری مسجد کبود، عملکرد آن است، بدین معنا که فقط مسجد نیست و بنیادی دو منظوره، یعنی مسجد - مقبره می‌باشد. به عبارتی دقیق‌تر، جانب جنوبی بنا مقبره است و از نظر سلسله مراتب، دسترسی به مقبره فقط با گذر از فضای مسجد و از طریق دو دسترسی بروار که در طرفین محراب مسجد واقع‌اند، ممکن است (تصویر ۱).

نکته مهم دیگر درباره معماری مسجد کبود، وجود شباهت‌هایی بین این مسجد و برخی مساجد عثمانی - بخصوص



تصویر ۱- از راست به چپ، پلان مسجد کبود، روابط بین فضاها و ریزفضاها.

ماخذ: (حاجی‌قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۶، ۶۰)

با فاصله زمانی قریب به یک و نیم قرن از ساخت مسجد نوشته شده‌اند و مؤید این نکته می‌باشند که در بازه تاریخی مذکور، تخریب شاخصی در بنا حادث نشده بود.^۷ اما ناگفته نماند که از متن سفرنوشته تاورنیه چنان فهمیده می‌شود که در هنگام بازدید وی از مجموعه مظفریه، علایم اندراس و کهولت در آن مشاهده می‌شده است (تاورنیه، ۱۳۳۶، ۶۷).

در جمع‌بندی مطالب جهانگردانی همچون کاتب چلبی، اولیاء چلبی، تاورنیه و شاردن استنباط می‌شود که در قرن یازدهم (مقارن با سال‌های اقتدار پادشاهی صفویه)، کلیت حجمی مسجد کبود، دچار فقدان در عناصر کالبدی نشده بود، ولی آسیب‌هایی ناشی از کهولت کالبدی رخ نموده بود. مطالعه دو گراور تاریخی، یعنی نقشه مطراق چی و نقشه شاردن از تبریز که به ترتیب در قرن دهم و قرن یازدهم هجری تهیه شده‌اند، نیز مؤید این مطلب است (تصویر ۲). اگر چه در هر دو نقشه، یک شاکله کلی از مسجد کبود دیده می‌شود، اما نشانگر بقای وجودی مسجد در آن ایام است.

۳-۳- دوره ویرانی

تبریز شهری است که تاریخ آن، با زمین لرزه عجین می‌باشد. استقرار این شهر بر روی یکی از گسل‌های فعال شمال غرب ایران، باعث ویرانی چندین باره آن در طول تاریخ شده و صدمات جبران‌ناپذیری بر گنجینه میراث معماری شهر، از جمله مسجد کبود وارد آورده است.^۸ تعیین تاریخ دقیق اینکه مسجد کبود، اولین بار بواسطه

یعقوب بر تخت شاهی نشست و در دوره وی (۸۹۶-۸۸۳ ه.ق.)، تکمیل عمارات مظفریه مورد توجه قرار گرفت و "با همت و نظارت صالحه خاتون دختر جهان شاه، بنای سقف یا قبه خانقاه و مرمت و تحکیم قسمت‌های ناقص و فرو ریخته آن عمارت به عمل آمد و کتابه‌ای به نام سلطان وقت نوشته شد که نام صالحه نیز در آن درج گردید" (کارنگ، ۱۳۷۴، ۲۸۵). متن این کتیبه، در مجموعه منشآت قاضی حسین میبیدی (متوفی در دهه نخست قرن دهم هجری) مندرج است (میبیدی، ۱۳۷۶).

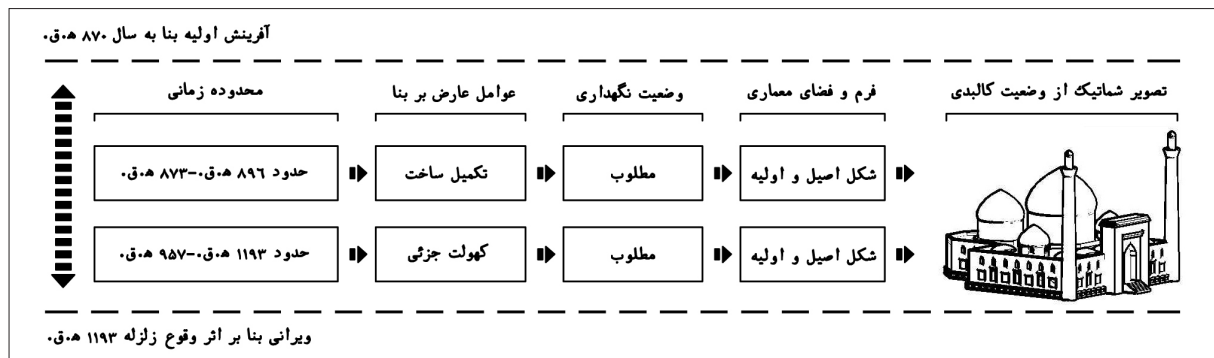
بر مدار مطالب فوق، می‌توان گفت که ساخت و تکمیل مجموعه مظفریه از زمان جهان شاه قراقویونلو تا عهد سلطان یعقوب آق قویونلو به طول انجامید؛ و اطلاعاتی بیش از این، درباره ساخت و تکمیل مجموعه مذکور در دست نمی‌باشد.

۳-۲- دوره بهره‌برداری پس از ساخت

ساخت مجموعه مظفریه در آن ایام، بسان خلق اثری منحصر به فرد بود که پس از تکمیل، تحسین همگان را برانگیخت. جهانگردانی که ایام استواری مجموعه را دیده بودند، با شگفتی از آن سخن گفته‌اند. کاتب چلبی در «تاریخ جهان‌نما» و اولیاء چلبی در سیاحت‌نامه خود، شرحی از شکوه مسجد مظفریه در نیمه نخست قرن یازدهم هجری را بر قلم آورده‌اند (کاتب چلبی، بی‌تا؛ نخجوانی، ۱۳۳۸، ۱۶-۱۷). تاورنیه و شاردن، جهانگردان فرانسوی نیز در نیمه دوم قرن یازدهم هجری، شرحی از زیبایی‌ها و کیفیت کالبدی این مسجد را به تصویر کشیده‌اند (تاورنیه، ۱۳۳۶، ۶۹-۶۷؛ شاردن، ۱۳۳۶، ۳۵۳). این گزارشات تاریخی،



تصویر ۲- از راست به چپ، مسجد کبود در مینیاتور مطراق چی (فخاری تهرانی، پارسا، و بانی‌مسعود، ۱۳۸۴، ۱۴) و در کروکی شاردن (همان، ۸۱).



نمودار ۱- نتیجه بررسی تحولات فرم و فضا در معماری مسجد کبود از آفرینش اولیه به سال ۸۷۰ ه.ق تا ویرانی بنا بر اثر وقوع زلزله ۱۱۹۳ ه.ق.

کدام زمین لرزه منهدم شده، قدری مشکل می باشد. در کتاب «زمین لرزه های تبریز» که تحقیقی پراچ از یحیی ذکاء می باشد، اشاره به وقوع زمین لرزه های مکرری از اواخر قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هجری در شهر تبریز شده که زمین لرزه سال ۱۱۹۳ هـ.ق، از همه آنها مهیب تر و مخرب تر گزارش شده است. در توصیف شدت خرابی های زمین لرزه سال ۱۱۹۳ هـ.ق، یحیی ذکاء به نقل از کتاب «ریاض الجنه» نوشته است که «همه ابنیه عالیه و آثار مستحکمه قدیمه از مدارس و مساجد و مقابر و معابد و عمارات و رباطات بالمیره خراب گردید، از آن جمله شنب غازان و مسجد صاحب الامر و مسجد جهان شاه [مسجد مظفریه/کبود] و مسجد جامع و مدرسه سید حمزه و مدرسه صادقیه و طالبیه بود» (ذکاء، ۱۳۶۸، ب، ۹۳). از این مطالب، استنباط می شود که در زمین لرزه سال ۱۱۹۳ هـ.ق، موجودیت کالبدی مسجد کبود - به هر میزان که سالم و باقی بود - به شدت آسیب دید و تمام آنچه بود راه فنا پیش گرفت (ترابی طباطبائی، ۱۳۴۸، ۱۷). بر اساس آنچه ذکر شد، وقوع زمین لرزه مذکور، هم برای شهر تبریز و هم برای مسجد کبود لحظه اسفباری بوده است.

بعد از سانحه مذکور، والی تبریز (نجفقلی خان دنبلی) به منظور بازتعریف شهر و صیانت از آنچه باقی مانده بود، بارویی جدید بنا نهاد. با همه وصف هایی که از این برج و بارو کرده اند، به سبب ویرانی ها و کشته شدن مردم شهر، قلعه نوین بسیار کوچک تر از شهر پیش از زمین لرزه، نهاده شده بود (ذکاء، ۱۳۶۸، ب، ۱۲۱). باروی جدید چون گستره چندانی نداشت، لذا محوطه مسجد کبود را در بر نگرفت و نتیجه آن شد که با استقرار مسجد در بیرون از حصار شهر، نقش آن نیز در مناسک دینی شهروندان کمرنگ شود. در «نقشه حومه و استحکامات تبریز»

در دوره قاجاریه، خارجیان زیادی به تبریز مسافرت و از مسجد کبود دیدن نموده بودند. در سفرنوشته هایی که برخی از آنها نگاشته اند، وضعیت ساختاری مسجد کبود نامطلوب گزارش شده است. مضاف بر متون مؤلفین خارجی، شاید مشروح ترین مطلب تاریخی درباره مسجد کبود، متنی باشد که نادر میرزای قاجار در کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز» نقل کرده است (جدول ۱).

علاوه بر متون تاریخی، تعدادی عکس نیز از دوره ویرانی مسجد کبود، در دست می باشد؛ اطلاعات مأخوذ از این

بعد از سانحه مذکور، والی تبریز (نجفقلی خان دنبلی) به منظور بازتعریف شهر و صیانت از آنچه باقی مانده بود، بارویی جدید بنا نهاد. با همه وصف هایی که از این برج و بارو کرده اند، به سبب ویرانی ها و کشته شدن مردم شهر، قلعه نوین بسیار کوچک تر از شهر پیش از زمین لرزه، نهاده شده بود (ذکاء، ۱۳۶۸، ب، ۱۲۱). باروی جدید چون گستره چندانی نداشت، لذا محوطه مسجد کبود را در بر نگرفت و نتیجه آن شد که با استقرار مسجد در بیرون از حصار شهر، نقش آن نیز در مناسک دینی شهروندان کمرنگ شود. در «نقشه حومه و استحکامات تبریز»

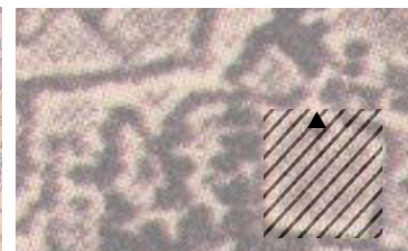
علاوه بر متون تاریخی، تعدادی عکس نیز از دوره ویرانی مسجد کبود، در دست می باشد؛ اطلاعات مأخوذ از این



▲ مسجد کبود
■ گورستان

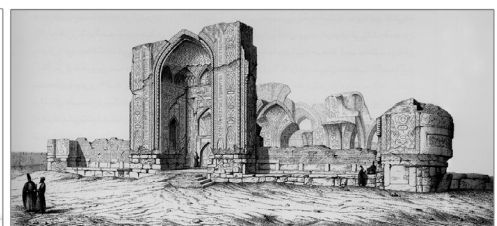
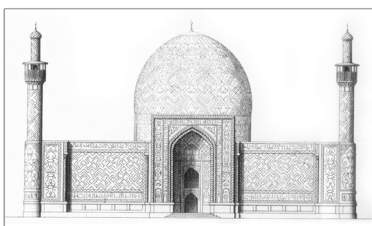
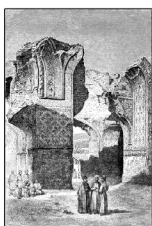
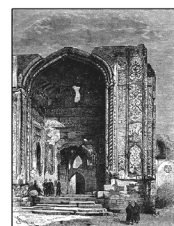


▲ مسجد کبود
■ گورستان



▲ مسجد کبود
■ عدم ساخت و ساز در پیرامون بنا

تصویر ۳- از راست به چپ، نقشه حومه و استحکامات تبریز (۱۲۴۳ هـ.ق/ ۱۸۲۷ م) (فخاری تهرانی، پارس و بانی مسعود، ۱۳۸۴، ۲۳)، نقشه دارالسلطنه قراجه داغی (۱۲۹۷ هـ.ق/ ۱۸۸۰ م) (همان، ۴۵) و نقشه دارالسلطنه اسدالله خان مراغه ای (۱۳۳۷ هـ.ق/ ۱۹۱۹ م) (آرشیو سازمان اسناد ملی شمال غرب).



تصویر ۴- از راست به چپ، کروکی کست از وضع موجود (۱۸۳۹ م/ ۱۲۵۵ هـ.ق) و تصور وضع سالم مسجد کبود (کست، ۱۳۹۰، ۱۵۸) و کروکی های دیولافوا (۱۲۹۸ هـ.ق/ ۱۸۸۱ م) از مسجد کبود (دیولافوا، دونور و اکادمی، ۱۳۶۹، ۵۹-۵۸).

آن، سال‌ها زیر عوامل فرساینده محیطی رها شده و تدریجاً بر شدت آسیب‌ها افزوده شد. اضمحلال کالبدی مسجد تا آن حد پیش رفت که در ابتدای قرن جاری - حوالی سال ۱۳۰۰ هـ.ش. که حدود پنج قرن از ساخت اثر می‌گذشت - از کلیت حجمی اولیه مسجد فقط قدری نزدیک به نصف باقی مانده بود. اما با

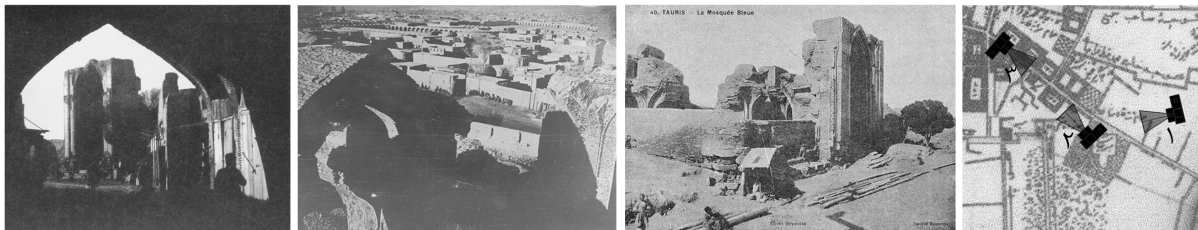
عکس‌های تاریخی، جهت درک و تحلیل وضعیت نابسامان مسجد در آن ایام مفید می‌باشند (تصویر ۵).

۳-۴- دوره باززنده‌سازی

پس از زمین‌لرزه و انهدام مسجد کبود، کالبد ویران شده

جدول ۱- گزارشات تاریخی از وضعیت کالبدی مسجد کبود در دوره قاجاریه.

بازدید کننده بنا	تاریخ	گزارش بازدید کننده
کست	(۱۲۵۵ هـ.ق / ۱۸۳۹ م)	"قابل توجه‌ترین ساختمان خراب‌شده تبریز مسجدی به نام مسجد کبود است" (کست، ۱۳۹۰، ۱۵۷).
دیولافوا	(۱۲۹۸ هـ.ق / ۱۸۸۱ م)	"تأسف‌آور است که گنبد‌های این بنای زیبا بواسطه زلزله تکان خورده و خراب شده است و در حین سقوط دیوارها را هم با خود به زمین ریخته و از آن مصالح نفیس توده‌ای در حیاط تشکیل یافته است. ساکنین اطراف آن هم بدون مانع در این توده کاوش کرده و مصالحی برای ساختمان خانه‌های خود می‌برند و هیچکس در این فکر نیست که از این عمل ناپسند جلوگیری کند" (دیولافوا، دنونور و اکادمی، ۱۳۶۹، ۵۷).
جکسن	(۱۳۲۱ هـ.ق / ۱۹۰۳ م)	"[مسجد کبود] اکنون یکباره روی به ویرانی نهاده است [.....] محتمل است پیش از یکصد سال دیگر این بنا بکلی ویران گردد" (جکسن، ۱۳۵۲، ۶۱).
گروته	(۱۳۲۵ هـ.ق / ۱۹۰۷ م)	"متأسفانه این بنا نیز بسیار آسیب دیده و در حال فرو ریختن است. اکثر کاشی‌هایش شکسته شده یا به سرقت رفته است" (گروته، ۱۳۶۹، ۳۰۴).
مینورسکی	(۱۳۲۶ هـ.ق / ۱۹۰۸ م / ۱۲۸۶ هـ.ش)	"این مسجد در حال ویرانی و فرو ریختن است" (مینورسکی، ۱۳۸۹، ۷۲).
نادرمیرزا (به نقل از مرتضی میرزا)	(۱۳۰۱ هـ.ق / ۱۸۸۴ م / ۱۲۶۲ هـ.ش)	"هزاران حیف و جای افسوس است که چنین بنایی که یقیناً در ایران نظیر و عدیل نداشته به این قسم خراب و ویران شده و این مختصری هم که از بنا مانده بکلی منهدم و آثاری از او نخواهد ماند" (نادرمیرزا، ۱۳۷۳، ۱۰۸).



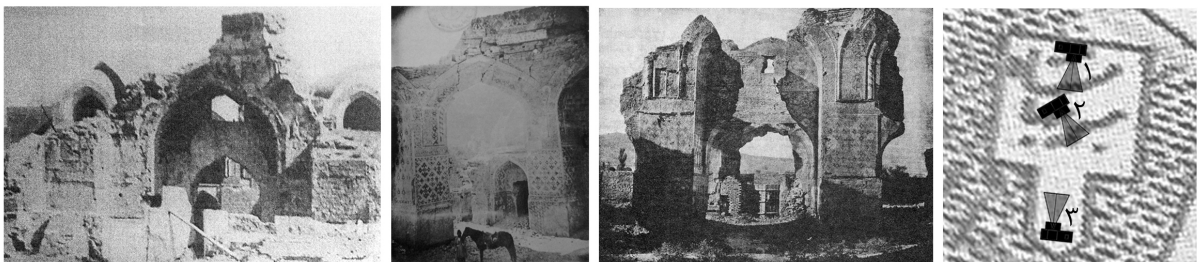
عکس دوربین ۳

عکس دوربین ۲

عکس دوربین ۱

موقعیت عکس برداری

تصویر ۵- از راست به چپ، مشخص نمودن موقعیت عکس برداری در نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (فخاری تهرانی، پارسى، و بانی مسعود، ۱۳۸۴، ۴۵)، مجموعه عکس برداری‌ها از فضای بیرونی مسجد کبود در بازه زمانی مورد بحث، مأخذ به ترتیب، (ذکاء، ۱۳۶۸، الف، ۱۸۴)، (آرشيو سازمان اسناد ملی آذربایجان شرقی)، (تراپی طباطبائی، ۱۳۷۹، صفحه نخست).



عکس دوربین ۳

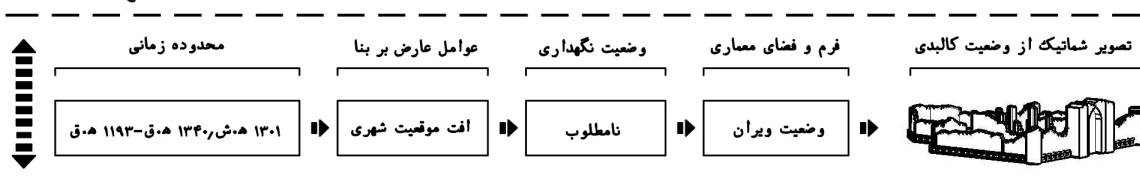
عکس دوربین ۲

عکس دوربین ۱

موقعیت عکس برداری

تصویر ۶- از راست به چپ، مشخص نمودن موقعیت عکس برداری در نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (فخاری تهرانی، پارسى، و بانی مسعود، ۱۳۸۴، ۴۵)، مجموعه عکس برداری‌ها از فضای داخلی مسجد کبود در بازه زمانی مورد بحث، مأخذ به ترتیب، (ذکاء، ۱۳۶۸، الف، ۱۸۲)، (تراپی طباطبائی، ۱۳۷۹، ۱۷۱) و (مینورسکی، ۱۳۸۹، ۲۷۹).

ویرانی بنا بر اثر وقوع زلزله ۱۱۹۳ هـ.ق.



شروع اقدامات عمرانی در اوایل قرن حاضر

نمودار ۲- نتیجه بررسی تحولات فرم و فضا در معماری مسجد کبود از ویرانی بنا تا شروع اقدامات عمرانی در اوایل قرن حاضر.

برای کاستن از آشفته‌گی محیط پیرامون مسجد، اقداماتی انجام داد. مرحوم میرزا محمدعلی خان تربیت در زمان ریاست خود در شهرداری تبریز در سنوات هزار و سیصد و هفت و هشت هجری شمسی یعنی قریب بیست سال پیش [۱]، مختصر اصلاح و تعمیری در مسجد به عمل آورده تخته سنگ‌های مرمر مسجد را که اغلب افتاده و شکسته در زیر خروارها خاک پنهان بود درآورده به جای خود نصب نمود (نخجوانی، ۱۳۲۷، ۱۶). همچنین وی "حیاط عمارت مظفریه را نیز که به گورستان مندرس و ویرانی مبدل شده بود، به صورت باغی سرسبز و گردشگاه عمومی شهر درآورد" (کارنگ، ۱۳۷۴، ۳۱۲-۳۱۳). در اقدامات فوق که جزو برنامه‌های عمرانی شهرداری و عمدتاً معطوف به تنظیف و پاکسازی محیط پیرامون مسجد بود، قصدی برای ترمیم خرابی‌های خود بنا وجود نداشت (تصاویر ۷ و ۸).

۳-۴-۳-۳- ترمیم اثر؛ شروع تحولات کالبدی معاصر ۳-۴-۳-۱- دوره پهلوی اول

در دوره رضاشاه، ضمن پاک‌سازی و تنظیف محوطه تاریخی مسجد کبود و ثبت آن در فهرست آثار ملی، اقداماتی نیز در جهت ترمیم آن به عمل آمد. طبق نوشته آندره گدار، گروه آنها "تصمیم گرفت تا جایی که ممکن است آن [مسجد کبود] را به همین صورت حفظ نماید" [۲]، یعنی دست به تجدید ساختمان گنبد بزرگ بر روی پایه‌های تکان خورده و بی‌استحکام و تکمیل کاشی‌کاری‌هایی که امروز نمی‌توانند بسازند نزنند و فقط کاری کند که آنچه به جا مانده به حال خود بماند و از میان نرود (گدار، ۱۳۷۷، ۴۵۷). گدار سپس، از تحقق این تصمیم اظهار رضایت نموده و می‌نویسد: "این کار مشکل به خوبی صورت گرفت،

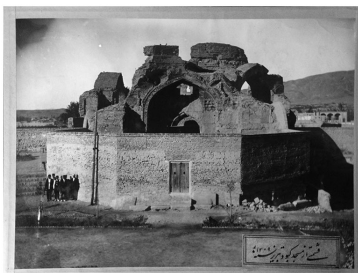
شروع تحولات عصر رضاشاهی - که یکی از بنیان‌های فکری آن، باستان‌گرایی بود - فصلی جدید در سرنوشت تاریخی مسجد کبود رقم خورد. با تأسیس نهادهایی همچون انجمن حفظ آثار ملی و اداره باستان‌شناسی و عتیقه‌جات که حاصل نگرشی نو به مقوله میراث فرهنگی در ایران بود (مصطفوی کاشانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۰۴)؛ مرمت مسجد کبود نیز مد نظر مدیران و برنامه‌ریزان محلی و ملی قرار گرفته و به عمران آن توجه شد.

۳-۴-۳-۱- ثبت اثر

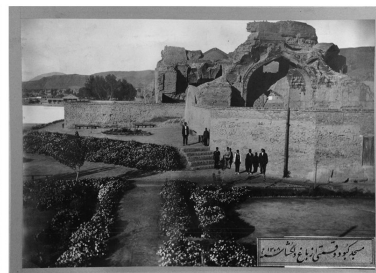
در سال ۱۳۱۰ ه. ش. بقایای مسجد کبود مورد توجه آندره‌گدار، رئیس وقت اداره باستان‌شناسی و عتیقه‌جات قرار گرفت. گدار می‌نویسد: "از این مسجد عالی‌قدر، غیر از چند ستون و قسمتی از دیوار خارجی و جبهه آن که به وضع رقت‌باری در آمده [۳] چیزی باقی نمانده [است]. اما آنچه باقیست به قدری زیبا و از نظر هنری قابل استفاده است که گروه باستان‌شناسی ایران تصمیم گرفت تا جایی که ممکن است [۴] آن را به همین صورت حفظ نماید" (گدار، ۱۳۷۷، ۴۵۷). بدین منظور و در شمار نخستین اقدامات حفاظتی، بقایای کالبدی مسجد در پانزدهم دی ماه سال ۱۳۱۰ ه. ش. و به شماره ۱۶۹ با عنوان «خرابه‌های مسجد کبود» در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴، ۳۲). بدین ترتیب مسجد کبود جزو نخستین بناهایی بود که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند.

۳-۴-۳-۲- پاکسازی و تنظیف محوطه

چند سال پیش از ثبت مسجد کبود در فهرست آثار ملی، یعنی حدود سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ه. ش. شهرداری تبریز،



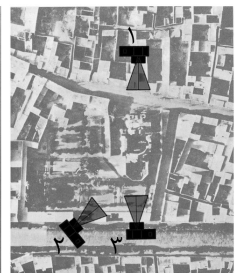
عکس دوربین ۳



عکس دوربین ۲



عکس دوربین ۱

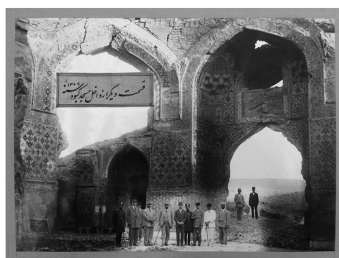


موقعیت عکس برداری

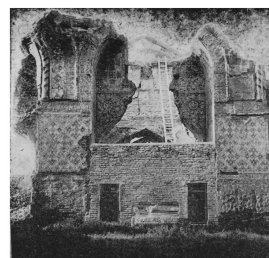
تصویر ۷- از راست به چپ، مشخص نمودن موقعیت عکس برداری در نقشه هوایی اشمیت (اشمیت، ۱۳۷۶، ۱۸۹)، مجموعه عکس برداری‌ها از فضای بیرونی مسجد کبود در بازه زمانی مورد بحث مآخذ به ترتیب: (آرشو سازمان اسناد ملی آذربایجان شرقی)، (همان) و (همان).



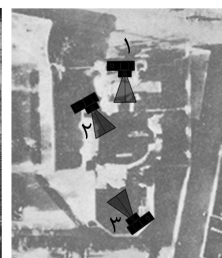
عکس دوربین ۳



عکس دوربین ۲



عکس دوربین ۱



موقعیت عکس برداری

تصویر ۸- از راست به چپ، مشخص نمودن موقعیت عکس برداری در عکس هوایی اشمیت (اشمیت، ۱۳۷۶، ۱۸۹)، مجموعه عکس برداری‌ها از فضاهای داخلی مسجد کبود در بازه زمانی مورد بحث مآخذ به ترتیب: (دبیاج، ۱۳۳۴، چهارمین تصویر مابین ۱۹-۱۸)، (آرشو سازمان اسناد ملی آذربایجان شرقی) و (همان).

ماه سال ۱۳۲۵ ه. ش. ادامه داشت تا اینکه دولت مرکزی بر اوضاع مسلط شد. در طی این دوران، توجه خاصی به حفاظت معماری مسجد کبود نشد و ترمیم و عمران آن مورد غفلت قرار گرفت.^۹

۳-۴-۲- دوره پهلوی دوم

با سپری شدن بحران‌های سیاسی - اجتماعی فوق‌الذکر و برقراری آرامش در منطقه، بار دیگر مرمت مسجد کبود مورد توجه مسئولین امر قرار گرفت. نکته حائز اهمیت در اقدامات مرمتی این دوره، مبتنی بودن آن بر یک دستورالعمل فنی است؛ دستورالعملی اختصاصی که توسط آندره گدار (که در آن ایام مدیر فنی اداره کل باستان‌شناسی بود) تدوین و در مورخه ۱۳۲۷/۱۰/۲۱ ه. ش. با امضاء محمدتقی مصطفوی (رئیس اداره کل باستان‌شناسی) ابلاغ شد (سایت اینترنتی www.iranshahrpedia.ir، مسجد کبود/۱۶۹، ۴-۶). راهبرد این دستورالعمل، مأخوذ از اصول «مرمت سبکی» بود، یعنی بازسازی بدون کمترین اختلاف با وضع اصیل بنا. چنانچه عباراتی همچون «بعین نمونه‌های قدیم»، «بدون کمترین اختلاف و تباینی» و «عین قالب قدیم» در متن این دستورالعمل به چشم می‌خورد (همان). بررسی عکس‌هایی که پس از مداخلات مرمتی سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۲۷ ه. ش. از این مسجد تهیه شده‌اند، نشانگر عزم برای تحقق بخشیدن به دستورالعمل مذکور می‌باشد (تصاویر ۱۰ و ۱۱). اقدامات مرمتی این دوره را می‌توان نخستین مداخلات جدی برای اعاده فرم کالبدی اولیه مسجد به شمار آورد. تبعیت از دستورالعمل فوق‌الذکر، محدود به آن مقطع تاریخی نشد و چون تنها متن جامع و مصوب برای مداخله در مسجد کبود محسوب می‌شد، مرمت‌کاران سال‌های بعد نیز (تا اوائل دهه پنجاه شمسی) بدان توجه داشتند.

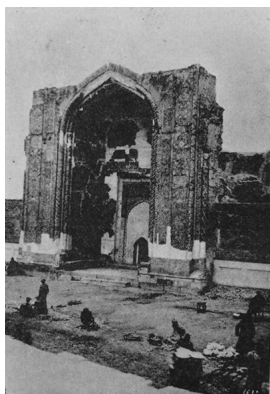
براین منوال بود که تا اوایل دهه پنجاه شمسی وضعیت کالبدی مسجد کبود سامان نسبی یافته و سیمایی آبرومندانه به خود گرفت؛ ولی همچنان بخش‌هایی از آن مانند گنبد بزرگ بازسازی نشده بود. در این دهه (پنجاه شمسی)، با بهبود وضع اقتصادی کشور و افزایش اعتبارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، مرمت مسجد کبود و تکمیل خطوط معماری آن سرعت

بطوری که باقیمانده این مسجد مشهور دیگر از خطر زمین‌لرزه در امان است. البته نباید از تماشای بقایای این بنا تأثیری را که وضع معمور قدیم آن به بیننده می‌بخشید جستجو کرد، زیرا از کاشی‌های عالی و نفیس قدیم [۰]، جز لکه‌های رنگین پراکنده‌ای باقی نمانده [است]، اما آنچه مانده [۰]، اصیل و در جای اصلی خود هستند (همان). از متن توضیحات آندره گدار، آشکار است که اقداماتشان، نه در جهت تکمیل فرم معماری مسجد، بلکه در جهت جلوگیری از ویرانی بیشتر آن بوده است. در به ثمر نشستن اقدامات این دوره، مرحوم اسماعیل دیباج (متصدی اداره باستان‌شناسی) و مرحوم حاج ابوالقاسم معمار (استادکار سنتی) نقش مهمی بر عهده داشته‌اند (دیباج، ۱۳۳۴، ۲۰) (تصویر ۹). متأسفانه در شهریور سال ۱۳۲۰ ه. ش. با تسری مصائب جنگ جهانی دوم به ایران، شهر تبریز به اشغال ارتش شوروی درآمد و اوضاع اجتماعی - امنیتی شهر نابسامان شد؛ این وضعیت تا آذر



تصویر ۹- مرمت مسجد کبود در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۱۸.

ماخذ: (دیباج، ۱۳۳۴، ۱۸)

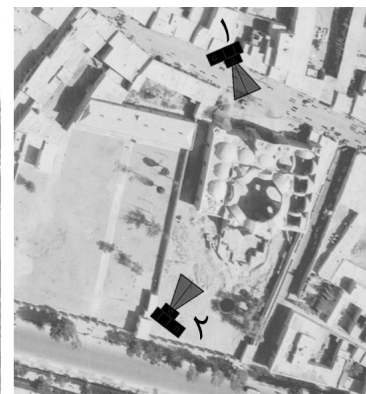


عکس دوربین ۲

تصویر ۱۰- از راست به چپ، مشخص نمودن موقعیت عکس برداری در نقشه هوایی ۱۳۳۵ ه. ش (سازمان نقشه برداری آذربایجان شرقی)، مجموعه عکس برداری‌ها از فضاهای خارجی مسجد کبود در بازه زمانی مورد بحث، مأخذ به ترتیب: (دیباج، ۱۳۴۵)، (همان، ۱۳۳۴، اولین تصویر مابین ۲۱-۲۰).



عکس دوربین ۱

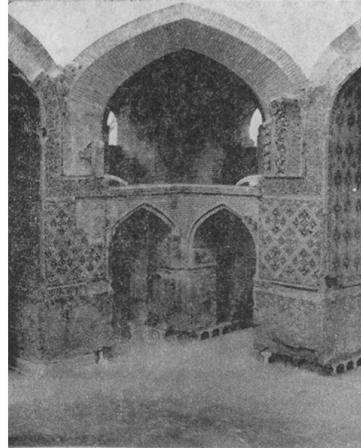


موقعیت عکس برداری



عکس دوربین ۲

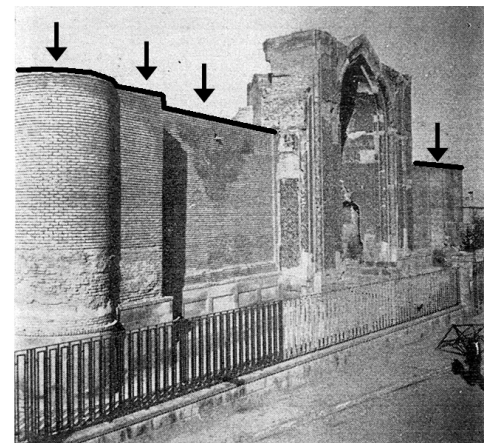
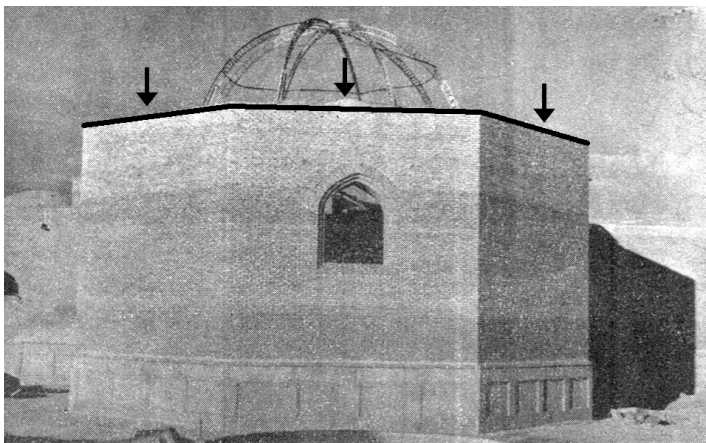
تصویر ۱۱- از راست به چپ، مشخص نمودن موقعیت عکس برداری در نقشه هوایی ۱۳۳۵ ه. ش (سازمان نقشه برداری آذربایجان شرقی)، مجموعه عکس برداری‌ها از فضاهای داخلی مسجد کبود در بازه زمانی مورد بحث، مأخذ به ترتیب: (دیباچ، ۱۳۳۴، دومین تصویر مابین ۲۱-۲۰) و (تراپی طباطبائی، ۱۳۷۹، ۱۷۲).



عکس دوربین ۱



موقعیت عکس برداری



تصویر ۱۲- تکمیل خطوط کلی این بنا در اوایل دهه ۵۰ شمسی، مأخذ از راست به چپ: (تراپی طباطبائی، ۱۳۴۸، ۱۴) و (دیباچ، ۱۳۴۵).

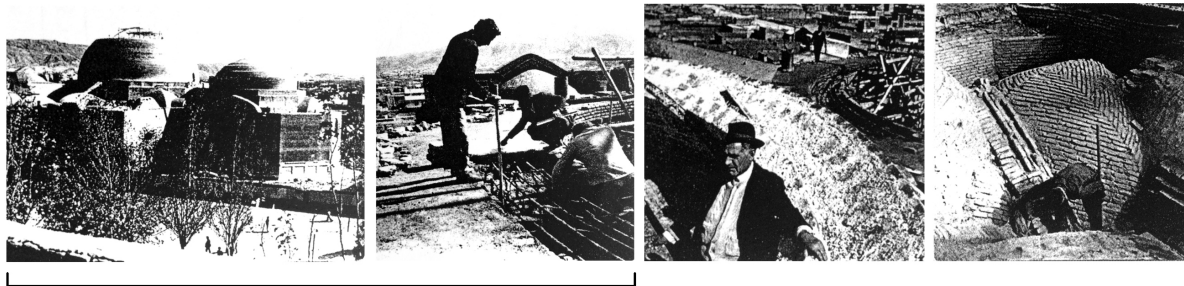
۱۳۸۷، ۳۴۵-۳۱۰). همچنین برخی اقدامات دیگر که در این مرحله صورت گرفت، مانند اجرای رینگ بتنی مسلح در قاعده گنبد، مغایر با اصل برگشت پذیری مداخلات در بناهای تاریخی می باشد. نکته نقدبرانگیز دیگر در ساخت مجدد گنبدهای این مسجد، به مسأله زمین لرزه برمی گردد؛ زیرا وزن زیاد گنبد در آن ارتفاع و در شهری که بارها خاطره تلخ زمین لرزه را تجربه کرده است، نگران کننده می نماید.

۳-۳-۳-۳ دوره بعد از انقلاب اسلامی

عملیات تکمیل کلیت حجمی مسجد کبود بر اساس برنامه دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، تا اواخر دهه پنجاه شمسی ادامه یافت. اما از ابتدای دهه شصت شمسی به دلیل شرایط جنگی کشور و بحران های اقتصادی ناشی از آن که منجر به کمبود اعتبارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی شد، اقدام مرمتی خاصی در این مسجد به عمل نیامد. با پایان جنگ و بهبود تدریجی اوضاع اقتصادی کشور، بار دیگر توجه به مرمت این بنا آغاز شد. مهم ترین اقدام در این دوره، در اواسط دهه هفتاد شمسی تصمیم گیری شد و این دفعه بیشترین توجهات معطوف به مرمت آرایه های فضای داخلی بود. در سال ۱۳۷۵ ه. ش. یکی

گرفت (تصویر ۱۲). در سال ۱۳۵۲ ه. ش. با تصویب شورای فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، عملیات بازسازی گنبدهای ویران شده مسجد آغاز شد (وهاب زاده، ۱۳۸۵، ۲۳۵-۲۳۴). محمدرکیم پیرنیا در این خصوص نوشته است که "درباره ساخت دوباره گنبد بررسی هایی شد. برخی می گفتند نباید گنبد بازسازی شود. اما در طی چند سال کاوش متوجه شدیم که هر سال برف و سرما، بخش هایی از آذین های دیوارها را از میان می برد. از این رو با بهره گیری از عکسی کهن و با همت معمار توانای معاصر تبریز، استاد رضا معماران تبریزی، گنبدی دوپوسته پیوسته میان تهی با آهیانه ای با چفد خاگی و خودی با چفد شبدری تند بر روی گنبدخانه زده شد. گوشه سازی گنبد ساده است و تنها یک پاباریک دارد که روی آن گریوار ساخته شده و سپس گنبد آغاز شده است" (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۶۷).

بررسی وضعیت کالبدی مسجد نشان می دهد که راهبرد باستانی سازی (مرمت سبکی) و تلاش بر قابل تمییز نبودن اصل از بدل، همچنان در مرمت های این دوره دنبال شده است (تصویر ۱۳). این در حالی است که طبق منشورهای بین المللی مرمت، مداخلات بر روی بناهای تاریخی می بایست به نحوی انجام گیرد که قابل تشخیص باشند (یوکیلهتو،



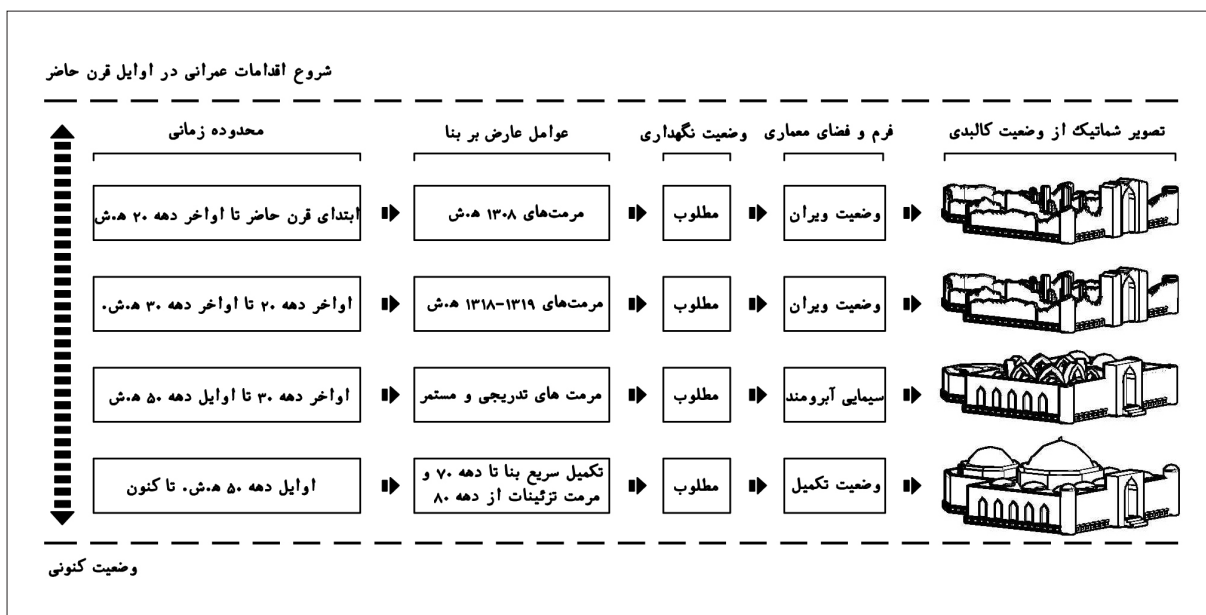
بازسازی گنبد بزرگ (گنبد اصلی مسجد)

بازسازی گنبد مقبره

بازسازی گنبد شبستان ها

تصویر ۱۳- بازسازی گنبد های بنا.

مآخذ از راست به چپ: (وهاب زاده، ۱۳۸۵، ۲۵۲)، (همان، ۲۵۴)، (همان، ۲۵۸)، (همان، ۲۵۹).



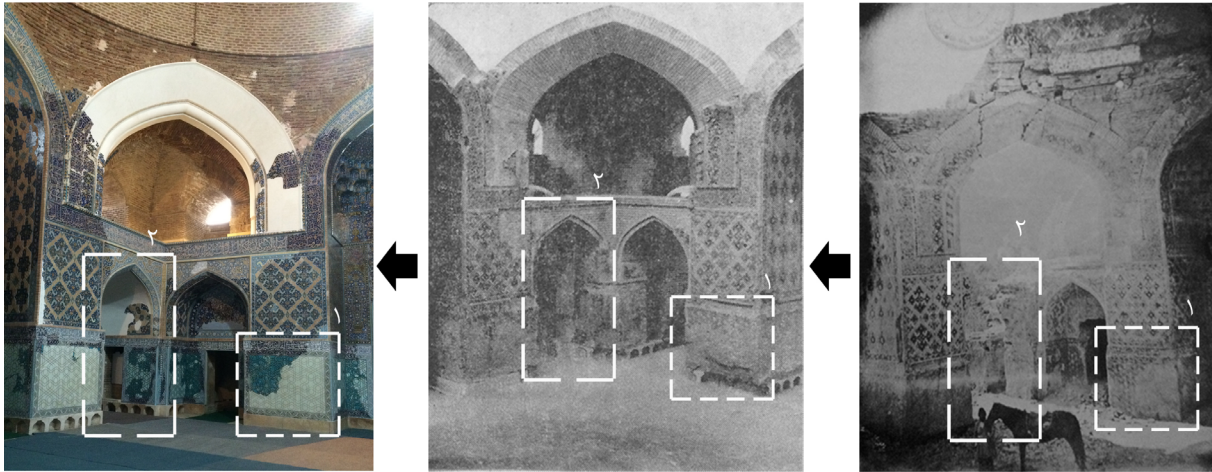
نمودار ۳- نتیجه بررسی تحولات فرم و فضا در معماری مسجد کبود از اقدامات عمرانی اوایل قرن حاضر تا کنون.

یا حاصل تفکری منسجم نبوده، بلکه نتیجه مدیریت ها و رویکردهای متغیر می باشد. دلیل این امر را باید در تغییر دیدگاه نسبت به تعریف «وضع مطلوب» بنا در طی هشتاد سال گذشته جستجو نمود. به عنوان مثال، در دهه بیست شمسی، وضع مطلوب در آن دیده شد که مرمت کاران خود را جای معمار اولیه فرض نموده و بنا را «عین قالب قدیم» و «بدون کمترین اختلاف و تباینی از عناصر اصیل» تکمیل نمایند. در حالی که در دهه هفتاد شمسی، چنین اقدامی تقبیح شده و وضع مطلوب را در رعایت معیارهایی چون «امکان تشخیص اصل از بدل» و «برگشت پذیری» دانستند. البته ناگفته نماند که این تغییر نگرش ها، نمودی از تحولات دانش حفاظت معماری در ایران بود. به نحوی که در ابتدا به سبب فقدان مبانی نظری مدون و در اصل به دلیل نوپا بودن مقوله حفاظت نوین در ایران. نظر به بازگشت شکل مسجد به عین روزگار اولیه آن بود. همچنین لازم به ذکر است، از همان بدو شروع مرمت مسجد در دوره پهلوی اول و به بعد، عدم تأمین بودجه و اعتبارات کافی و به موقع، منجر به طولانی شدن فرآیند مرمت مسجد شده و نتیجتاً زمینه برای دخالت اندیشه های متکثر فراهم آمده و ثمره آن، سایه افکندن تصمیمات متنوع بر پیکر بنا است (تصویر ۱۴).

از جلسات شورای فنی سازمان میراث فرهنگی کشور در محل مسجد کبود و به ریاست دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی تشکیل و مقرر شد که مرمت آرایه های داخلی مسجد مبتنی بر اصول علمی مرمت انجام گیرد (وهاب زاده، ۱۳۸۵، ۲۴۱). تصمیمات مرمتی این دوره، به دلیل تأکید بر معیارهای نوین حفاظت میراث معماری، متفاوت با تصمیمات دوره های قبل بود؛ به نحوی که رعایت «اصل برگشت پذیری» و «تحت تأثیر قرار نرفتن قسمت های اصیل با مداخلات» جزو شاخصه های برنامه بود. بر پایه این مصوبه، از همان زمان و طی چند سال متمادی بخشی از آرایه های داخلی مسجد مرمت شد.

۴- مداخلات حفاظت معماری و نظام کالبدی مسجد

در یک جمع بندی ساده می توان گفت، مسجد کبود از بدو ساخت تاکنون تحولات کالبدی زیادی را پشت سر گذرانده که بی شک، مهم ترین آنها زمین لرزه ویرانگری بود که انهدام آن را موجب شد و دیگری، اقدامات مرمتی معاصر است. در تبیین روح کلی اقدامات معاصر باید گفت که این اقدامات، تابع و

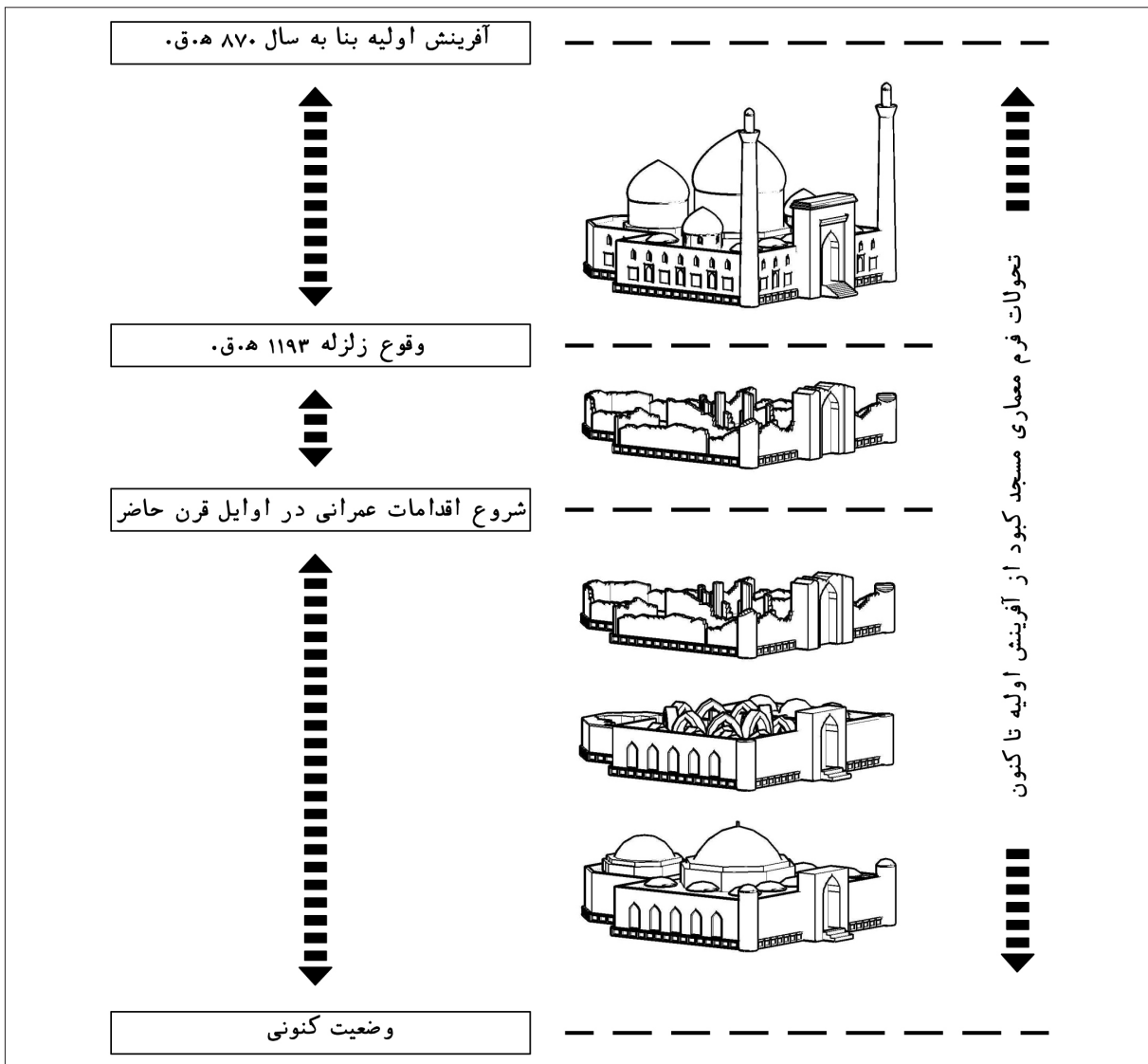


وضعیت کنونی

اواخر نیمه اول قرن جاری

قبل از تعمیرات قرن حاضر

تصویر ۱۴- بخشی از فضای داخلی مسجد کبود در مقاطع تاریخی مختلف، محدوده ۱، حاصل مرمت‌های اخیر و رعایت معیار «تشخیص اصل از بدل» و محدوده ۲، حاصل مرمت‌های دوره‌های قبل که بازسازی «بدون کمترین اختلاف و تباینی از عناصر اصیل» انجام گرفته است. مأخذ از راست به چپ: (ترابی طباطبائی، ۱۳۷۹، ۱۷۱)، (دیباج، ۱۳۳۴، دومین تصویر مابین ۲۱-۲۰) و (عکس از نگارندگان، ۱۳۹۳).



نمودار ۴- فرم معماری مسجد کبود در مقاطع مختلف تاریخی.

نتیجه

است که با گذشت زمان و کهنه شدن تدریجی الحاقات معاصر- که عموماً به سیاق قدیم بازسازی شده‌اند - گاه «اصل» و «بدل» خلط شده و بازدیدکنندگان، تمامیت وجودی مسجد را چنین می‌انگارند که از ابتدا بوده است. معهذاً در سال‌های اخیر، اهتمام در تفاوت نهادن بین بخش‌های اصیل و الحاقی که از اصول علمی حفاظت معماری است، در برخی اقدامات صورت گرفته در این بنا به چشم می‌خورد. در تبیین اقدامات حفاظتی معاصر در این بنا باید گفت که مداخلات انجام گرفته، منبعث از رویکردها و مدیریت‌های متغیر بوده و تعریف «وضع مطلوب» بنا در طی هشتاد سال گذشته ثابت نبوده است. چنانچه در دهه بیست شمسی، وضع مطلوب را در مرمت «عین قالب قدیم» و «بدون کمترین اختلاف و تباینی از عناصر اصیل» دانسته و بعد در دهه هفتاد شمسی، وضع مطلوب را در رعایت معیارهایی چون «امکان تشخیص اصل از بدل» و «برگشت‌پذیری» دانسته‌اند. چنین تغییر نگرش‌هایی را نباید مختص به این بنا دانست، بلکه نمودی از تحولات دانش حفاظت معماری در ایران معاصر می‌باشد که بر فرآیند مرمت بسیاری از بناهای تاریخی ایران اثرگذار بوده است.

هدف از نگارش مقاله حاضر که مستخرج از یک پژوهش در حوزه مطالعات میراث معماری ایرانی است، بیان تحلیلی تحولات کالبدی مسجد کبود (مظفریه) تبریز بر مبنای شناخت لایه‌های تاریخی می‌باشد. بنای مذکور که در اصل یکی از شاهکارهای هنری ایران عصر قراقویونلوها است، از بدو ساخت تاکنون تحولات ساختاری زیادی را شاهد بوده و آنچه اینک از این بنا در برابر ناظرین قرار دارد، با آنچه معماران اولیه‌اش اراده کرده بودند، تفاوت بسیار دارد. به نحوی که در ابتدای قرن جاری تنها حدود نیمی از کلیت حجمی اولیه مسجد باقی بود؛ اما از دوره پهلوی با تحول در نظام اجتماعی-فرهنگی کشور و تأسیس نهادهای متولی حفاظت از آثار تاریخی، مسجد کبود مورد توجه قرار گرفته و اهتمام به مرمت و تکمیل ساختاری آن شد. در این نوشتار به استناد مدارک تاریخی و تحلیل شواهد عینی، مبرهن گردید که در نظام معماری مسجد با هم‌نشینی لایه‌های جدید با لایه‌های کهن، اثری پدید آمده که علیرغم سیمای آبرومندانه از اصالت تأمه برخوردار نیست، زیرا کلیت کالبدی مسجد، مظهر اراده‌های متأخر نیز می‌باشد. اما نکته تأمل برانگیز دیگر در این فرآیند، آن

پی‌نوشت‌ها

۱ آن برانگیزد. این خصوصیت باعث شده است که نتوان شیوه طراحی این مسجد را زیرمجموعه شیوه خاصی از مسجدسازی در ایران تلقی نمود. از این رو، طرح و ترکیب مسجد کبود همچون ستاره‌ای می‌ماند که تنها یکبار در افق معماری ایرانی درخشیده است. برای مطالعه بیشتر به مقاله «سبک‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز» مراجعه شود (کبیرصابر، مظاهریان، و پیروی، ۱۳۹۳).
۲ توصیفات تاورنیه از کیفیات فضایی و کالبدی مسجد کبود، چنان واضح است که به قول یحیی ذکا «همچون نگارگری استاد، با نوک قلم، تصویر مسجد را نمایش داده است» (ذکا، ۱۳۶۸، الف، ۱۸۵). ولی در سفرنوشته شاردن، اطلاعات درباره مسجد کبود اندک است و به قول عبدالعلی کارنگ «توصیفات شاردن [۱] مجمل و مبهم است و چیز تازه‌ای در آن به چشم نمی‌خورد» (کارنگ، ۱۳۷۴، ۲۸۷).
۳ برای درک شدت ویرانی‌ها و کاستی‌هایی که این زمین‌لرزه [زمین‌لرزه ۱۱۹۴ ه. ق.] حتی سایر زمین‌لرزه‌ها برای شهر تبریز رقم زده‌اند، شاید کافی باشد به نقصان فاحشی که اینک در منظومه میراث معماری شهر وجود دارد، دقت شود. برای مطالعه بیشتر به مقاله «رهیافت‌های معماری سنتی تبریز برای ساخت و ساز ایمن پس از زلزله: مطالعه موردی: کاربست کلاف‌های چوبی در معماری خانه‌های قاجاری» مراجعه شود (کبیرصابر، ۱۳۹۲).
۴ متأسفانه در دوره فرقه دموکراتیک آذربایجان، جمعی، به چند قطعه از سنگ‌های مرمر ازاره قسمت جنوبی مسجد کبود دست‌برد زده و از آنها پایه‌ای برای یک مجسمه ساختند (کارنگ، ۱۳۷۴، ۳۱۲-۳۱۳).

فهرست منابع

اشمیت، اریش فردریش (۱۳۷۶)، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، برگردان آرمان شیشه‌گر، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
بلر، شیلان، و جانانان ام. بلوم (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانان و تیموریان، ترجمه سید محمد - موسی هاشمی گلپایگانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

۱ ر. ک: کبیرصابر، محمدباقر و مهناز پیروی (۱۳۹۴)، میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم ه. ق.؛ مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود، بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۶، صص ۶۸-۸۵.
۲ در این خصوص نظر مرحوم حسین نخجوانی آن است که «دلیل واضح بر عمارت مظفریه بودن این بنا همانا کتیبه طاق درگاه است که (العمارة المبارکه المظفریه) اکنون نیز پیداست» (نخجوانی، ۱۳۲۷، ۱۱).
۳ در این مقاله جهت اینکه ذهن خواننده دچار تشنگی نشود، برای نامیدن اثر از عبارت رایج «مسجد کبود» به جای عبارت قدیمی «مسجد مظفریه» استفاده شده است.
۴ لازم به ذکر است که در مورد بانی مسجد کبود، بین محققین اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی احداث آن را به جهان‌شاه، برخی به همسرش و برخی به دخترش نسبت داده‌اند. مع‌الوصف، به اعتبار کتیبه‌های بنا، قدر مسلم این است که مسجد کبود، بنایی از دوره سلطنت جهان‌شاه قراقویونلو می‌باشد.
۵ یحیی ذکا پژوهشگر فقید تاریخ و تمدن ایران که آگاهی‌های خوبی نسبت به پیشینه هنر و معماری منطقه تبریز و آذربایجان داشت، درباره اصالت سبکی مسجد کبود تبریز معتقد بود که فرم معماری این بنا، برآمده از مراودات فرهنگی و اجتماعی بین ایران و آناتولی در قرن نهم هجری است و می‌نویسد: «گویا نقشه معماری پیشین جامع در خاک ترکیه اقتباسی از این مسجد است» (ذکا، ۱۳۶۸، الف، ۱۸۵-۱۸۳).

۶ این موضوع، بحث مستقلاً را می‌طلبد و پرداختن بدان، از قلمرو پژوهش حاضر خارج است؛ لکن آنچه در اینجا می‌توان گفت این است که بررسی اجزا و نظام ساخت مسجد کبود، مبین آن است که افراشت سازه‌ای و آفرینش کالبدی بنا، بر پایه اسلوب مهندسی ایرانی انجام شده است و معماران آذری سازنده مسجد، با کاربست تفکر بومی و فنون سنتی، جلوه‌های ممتاز از معماری ایرانی را پدید آورده‌اند. اما نکته تأمل برانگیز درباره مسجد کبود این است که طرح آن، گرچه در قرن نهم هجری قمری باب جدیدی در عرصه طراحی مسجد در ایران باز نمود، لکن نتوانست اشتیاق و رغبت معماران بعدی را به تکرار و تکمیل فرم

ساخت و ساز ایمن پس از زلزله؛ مطالعه موردی: کاربست کلاف‌های چوبی در معماری خانه‌های قاجاری، دو فصلنامه علمی - پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۱، صص ۷۰-۵۹.

کبیرصابر، محمدباقر و مهناز پیروی (۱۳۹۴)، میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم ه.ق.؛ مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود، بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۶، صص ۸۵-۶۸.

کبیرصابر، محمدباقر، حامد مظاهریان و مهناز پیروی (۱۳۹۳)، ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۶، صص ۲۳-۵.

کست، پاسکال (۱۳۹۰)، بناهای دوره اسلامی ایران، ترجمه آتوسا مهرتاش، متن، تهران.

گدار، آندره (۱۳۷۷)، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

گروته، هوگو (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، مرکز، تهران. مشکور، محمد جواد (۱۳۵۲)، تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، انجمن آثار ملی، تهران.

مصطفوی کاشانی، محمدتقی (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات، ج ۱، گردآوری مهدی صدی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.

میبیدی، قاضی حسین بن معین الدین (۱۳۷۶)، منشآت، تصحیح و تحقیق نصرت‌الله فروهر، نشر نقطه، تهران.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۹)، تاریخ تبریز، ترجمه عبدالعلی کارنگ، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، ویراستار محمد ابراهیم پورنمین، ویراست ۲، انتشارات آیدین، تبریز.

نادر میرزا (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، مصحح غلامرضا طباطبائی مجد، ستوده، تبریز.

نخجوانی، حسین (۱۳۲۷)، مسجد کبود تبریز یا عمارت مظفریه، نشریه پژوهش‌های فلسفی، شماره ۳، صص ۱۱-۲۰.

نخجوانی، حسین (۱۳۳۸)، سیاحتنامه اولیاچلیبی، شفق، تبریز. وهاب‌زاده، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، مسجد کبود، دیروز-امروز، در مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، به کوشش دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی، صص ۲۷۴-۲۱۳، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.

یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷)، تاریخ حفاظت معماری، ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، انتشارات روزنه، تهران.

پازوکی، ناصر، و عبدالکریم شادمهر (۱۳۸۴)، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران.

پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۳)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معاریان، معمار، تهران.

تاورنیه (۱۳۳۶)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی، کتاب‌فروشی تایید، اصفهان.

ترابی طباطبائی، سیدجمال (۱۳۴۸)، نقش‌ها و نگاشته‌های مسجد کبود تبریز، شفق، تبریز.

ترابی طباطبائی، سیدجمال (۱۳۷۹)، مسجد کبود «فیروزه اسلام»، مهدآزادی، تبریز.

جکسن، ابراهیم و (۱۳۵۲)، سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امینی و فریدون بدره‌ای، خوارزمی، تهران.

حاجی قاسمی و همکاران، (۱۳۸۳)، گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، ج ۶، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

دیباچ، اسماعیل (۱۳۳۴)، راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی، شفق، تبریز.

دیباچ، اسماعیل (۱۳۴۵)، آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان، (بی‌جا). دیولافوا، ژان، لژیون دونور، و افسرآکادمی (۱۳۶۹)، ایران، ترجمه علی محمد فروشی، دانشگاه تهران، تهران.

ذکاء، یحیی، الف (۱۳۶۸)، تبریز، در شهرهای ایران، ج ۳، به کوشش محمدیوسف کیانی، صص ۲۰۲-۱۵۱، چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی و جهاد دانشگاهی، تهران.

ذکاء، یحیی، ب (۱۳۶۸)، زمین‌لرزه‌های تبریز، کتابسرا، تهران. سایت اینترنتی دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر. www.iranshahrpedia.ir [۹۳/۱۰/۲۰].

طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶)، دیاربکر، به تصحیح و اهتمام فاروق سومر، طهوری، تهران.

فخاری تهرانی، فرهاد، فرامرزی پارسا، و امیربانی مسعود (۱۳۸۴)، بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

فیلدن، برنارد و یوکا یوکیلتو (۱۳۸۲)، رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی، ترجمه سوسن چراغچی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

کاتب چلبی (مصطفی بن عبدالله) (بی‌تا)، جهان‌نمای کاتب، ج ۲، بی‌جا. کارنگ، عبدالعلی (۱۳۷۴)، آثار باستانی آذربایجان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: راستی‌نو، تهران.

کبیرصابر، محمدباقر (۱۳۹۲)، رهیافت‌های معماری سنتی تبریز برای